

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

سیدهاشم سدید
۰۲ سپتمبر ۲۰۱۷

امکان برنده شدن پاکستان در افغانستان بعید نیست

ستراتژی جدید امریکا در قبال جنگ و استقرار امنیت در افغانستان و سرکوب نیرو های مسلح مخالف دولت، که بعد از تقریباً هشت ماه کش و قوس در درون حکومت امریکا و حدس و گمان های زیاد جهان، به خصوص مردم افغانستان بالاخره توسط رئیس جمهور امریکا، دونالد ترامپ، اعلام شد، از نظر پاکستان، طوری که نخست وزیر این کشور بیان داشت، راه حل بحران افغانستان نمی باشد.

قرار گزارش تعدادی از رسانه ها "شاهد آقا عباسی"، نخست وزیر پاکستان در مصاحبه ای که روز یکشنبه گذشته با شبکه خبری امریکائی "بلومبرگ" داشت، گفته است: «ستراتژی نظامی در افغانستان جواب نخواهد داد و باید به دنبال یک راه حل سیاسی بود.»

از سیاستمداران پاکستانی غیر از این سخن چیزی دیگر نمی شد و نمی توان انتظار داشت. قبول شکست برای پاکستان در افغانستان، بعد از بیشتر از چهار دهه تلاش و تحمل دشواری های مختلف برای یافتن سیادت و قیادت در افغانستان، تأسیس دولتی با مهره های افغانی، که در خدمت پاکستان برای پیشبرد اهداف سیاسی - اقتصادی - فرهنگی و نظامی جاه طلبانه این کشور باشد، برای پاکستان امری نیست که به این زودی به آن تن بدهد. بناءً تا آن جا که ممکن است، و توان دارد کوشش می کند که چه در صحنه سیاست و دیپلماسی، چه در قلمرو تبلیغاتی و جنگ های روانی و چه در عرصه نظامی و استخباراتی تا رسیدن به مقصد تلاش های دولت افغانستان و امریکا را برای شکست طالب غیر عملی و بی فایده بنمایاند - حتی اگر دولت افغانستان و نیرو های حامی آن پیروزی های هم در جنگ با طالب یا داعش و حقانی ... داشته باشند. ادعای که طبیعتاً هر حریفی در رویارویی با حریف برای خرد کردن روان جانب مقابل یا پنهان نمودن ترس خود باید بدان متوسل می شود!

واقعیت دیگر، اما اینست که، گذشته از جنگ های تبلیغاتی و روانی و استخباراتی و امیدواری کاذب یا راستین پاکستان به ناکامی امریکا در افغانستان، وقتی به تعاملات و ویژگی های سیاسی - قانونی - حقوقی درون امریکا و موضع گیری های بعضاً متفاوت سیاستمداران دو حزب قوی و تاریخ این کشور با تأمل نگاه شود، از یک نظر نخست وزیر پاکستان می تواند در این ارزیابی خود تا حدودی حق به جانب باشد؛ چرا که:

۱- حکومت پاکستان در دست نظامیانی است، که با تمام وجود و به هر قیمتی، و تا هر زمانی که خواسته باشند، حتی در صورت مخالفت های احتمالی مردم این کشور با دولت، و حتی با نادیده گرفتن قوانین کشور، برای پیروزی نهائی در

افغانستان سعی می‌ورزند؛ درحالی که در امریکا چنین الزام و امکانی برای دولت وجود ندارد، زیرا دولت امریکا، هر چند توسط سرمایه داران اداره می‌شود و نفع سرمایه دار در تولید و فروش سلاح و فروختن جنگ و تداوم بحران در جهان می‌باشد، انتخابی است و در نهایت مجری خواست مردم می‌باشد و ناگزیر است به خواست های مبرم و جدی مردم التفات کند و قوانینی را که حق حاکمیت را، ولو بر روی کاغذ، از آن مردم می‌داند، به منصفه اجراء بگذارد - صرف نظر از این که هر حزبی برای دست یابی به رأی بیشتر مردم در انتخابات ناگزیر است به خواسته های مردم توجه داشته باشند.

مردم پاکستان که اکثرأ مسلمانان احساساتی و خشک اندیش هستند، از هر تصمیمی که احزاب قشری مسلک اسلامی این کشور که پوششی هستند برای پیشرد و اجرای مقاصد استخباراتی - نظامی و توسعه طلبانه این کشور، تا مرز وقف مال و جان پشتیبانی می‌کنند؛ چنانچه همین اکنون با یک اشاره آئی. اس. آی رهبران دینی این کشور تعداد بیشماری از مردم طالب مانند پاکستان را در اعتراضات خشم آلود خیابانی علیه تصمیم اخیر امریکا در قبال افغانستان و پاکستان به جاده ها کشانده اند.

مردم امریکا، اما، اگر جنگ به درازا بگشود، به خصوص وقتی میزان تلفات سربازان امریکا بالا برود و سقف مصارف شان در حدی برسد که سبب ناآرامی آن ها شود، حتی اگر موضوع حیثیت امریکا هم در میان باشد، خلاف تصمیم دولت موضع می‌گیرند و در صورت لزوم دست به تظاهرات دامنه دار و سلب حمایت از دولت خواهند زد؛ به عکس مردم پاکستان، که از روی اعتقادات دیوانه وار دینی، دشمنی با هند و دوستان هند، اعتقاد خاص و افراطی به پاکیزگی و تقدس خاک و داشتن وظیفه آسمانی برای جنگیدن در راه اسلام، عمیقاً خود را ملزم به کمک به برادران مسلمان شان در هر سرزمینی که باشد، می‌دانند؛ تا جائی که حاضر هستند همه هستی خود را در این راه مقدس قربان کنند.

۲- دولت افغانستان به دلایل متعدد توان و ظرفیت اداره (به قول امروزی ها مدیریت) درست اوضاع کشور را ندارد. در وزارت دفاع کشور، همینطور در وزارت امور داخله، دو وزارتی که بار اصلی جنگ با دسته های چریکی افراط گرا و ترورستی را به دوش دارند، همکاری و هم‌ارایی لازم وجود ندارد.

اکثریت جنرال ها صرف نظر از این که افکار و تعهدات تنظمی دارند، مسلکی نیستند و مراحل لازم را برای ارتقاء به رتبه های بالا و مهم طی نکرده اند و از اصول و قواعد نظامی و الزامات ضروری و اساسی جنگ و سوق و اداره بی خبر می‌باشند و از روحیه مورد نیاز برای یک افسر در جنگ بی بهره هستند و یا این که از ترس افتادن قدرت به دست طالب یا به دلیل همعقیده بودن با طالب و... اصلاً قصد جنگیدن و سرکوب طالب را ندارند.

وجود فساد در داخل بخش های سه گانه دولت، امر دیگری است، که دولت افغانستان را در میدان سیاست و مذاکره و جنگ و دفع یا سرکوب طالب و گروه های خشن تر از طالب ناکام ساخته است. نیرو های خارجی به هر اندازه ای که قوی باشند و توان رزمی و مورال جنگی شان بالا باشد، هر قدر که سلاح های ثقیل و کشنده در اختیار داشته و با هر شدتی که بجنگند و بخواهند اوضاع را تحت کنترل داشته یا به نفع خود تغییر بدهند، از آن جائی که بار بنیادین جنگ و آمادگی خنثی سازی برنامه های تخریبی اشرار طالبانی و داعشی و حقانی و... بر دوش نیرو های بومی است، و نیرو های بومی هم به دلیل ملوث بودن یا نداشتن کفایت و روحیه لازم رزمی یا یک سری از دلایل دیگر، از جمله داشتن رابطه با مخالفین مسلح دولت و پاکستان، نمی‌توانند از حملات آن ها، به خصوص حملات انتحاری آن ها و برپا کردن آشوب و فتنه و رخنه کردن در درون قطعات امنیتی و نظامی و انتظامی جلوگیری کنند. بناءً جنگ ادامه پیدا می‌کند، چنانچه تا امروز، کم و بیش هفده سال، باوجود اشتراک بیشتر از چهل کشور دنیا در جنگ به پشتیبانی امریکا، ادامه پیدا کرده است.

۳- برنامه های استخباراتی و تلاش های سیاسی پاکستان، در امتداد برنامه های جنگی آن، نسبت به آنچه امریکا در افغانستان در صدد انجام آن است، از موفقیت های زیاد پاکستان در راستای رسیدن به اهدافش خبر می دهد. جا به جا کردن مرحله ئی افراد طالب و حزب اسلامی و تعداد زیادی از احزاب دیگر در درون نظام، یکی از توطئه ها و یکی از اهداف شیطانی دیگر پاکستان است.

فرستادن "حکمتیار" آخرین میخی است که این کشور بر تابوت آرزوی مردم ما برای داشتن یک حکومت ملی در افغانستان می زند. دو سال، یا کمی بیش برای انتخابات ریاست جمهوری مانده است. با وضع موجود و وجود فرهنگ تقلب و عطش بی پایان برای دست یافتن به قدرت به هر قیمتی، و رسم کنار گذاشتن دشمنی (که تابع رویداد ها می باشد) با یک دیگر و نقض عهد، آنچه در گذشته بار ها و بار ها شاهد آن بودیم، بسیار احتمال می رود که "حکمتیار"، با همه مخالفت هائی که علیه او وجود داد، در اثر زد و بند با اجزای تشکیل دهنده حکومت "غنی" و حکومت قبل از آن، حتی با "نور" و "عبدالله" و "ربانی" و "مسعود" و "سیاف" و "محسنی" و امثالهم، برنده انتخابات اعلام شود.

چنین امری مشکل پاکستان را در رویارویی با امریکا، شخصیت های ملی کشور و انسان های مخالف سیاست های توسعه طلبانه پاکستان و ایادی آن تا حدودی زیادی کاهش می دهد؛ زیرا وارد کردن ضربه به نیرو های افغانی از طریق یک حکومت دست نشانده پاکستان (همین طور به امریکائی ها و متحدینش) بسیار کاری تر است، نسبت به وارد کردن ضربه در جبهات جنگ؛ علی الخصوص وقتی چنین حکومتی بنا بر وظیفه ای که از سوی پاکستان گرفته است، ملت را به نام قوم و مذهب و زبان و فرهنگ و سمت به جان هم بیندازد؛ چیزی که "حکمتیار" همین اکنون به اشاعه آن آغاز نموده است. با آمدن چنین حکومتی بر سر قدرت روابط با هند به سردی می گراید. دولت رسماً از نیروهای خارجی تقاضا می کند تا افغانستان را ترک کنند. با چنین تقاضائی از نظر حقوق بین الملل برای نیروهای خارجی دست آویزی برای ماندن و جنگیدن در افغانستان باقی نمی ماند (مگر این که توسط نیرو های طرفدار خود دست به کودتائی بزند و شرایط را به نفع خود برگرداند). برای راضی ساختن نیرو های خارجی تمام مخالفان مسلح دولت موجود افغانستان به وسیله پاکستان فرا خوانده شده به استراحت کوتاه مدت فرستاده می شوند و یا به جبهه کشمیر اعزام می گردند. به جای مشاوران غربی، مانند ایام اولیه حاکمیت "ربانی - مسعود" مشاوران پاکستانی به افغانستان سرازیر می شوند. و بعد از این که آب ها از آسیاب افتاد، خلیفه دو باره وارد بغداد می گردد: نیرو های افراطی دو باره ظهور می کنند، ولی این بار افغانستان تنها برای تخته خیز به کشورهای آسیای میانه و برای به هم زدن اوضاع آرام کشور های این منطقه و تنگ ساختن حلقه بر روسیه و چین و ایران مورد استفاده قرار می گیرد؛ کاری که فقط پاکستان نظر به موقعیت جغرافیائی و نظر به امکانات فکری - سیاسی و علائق مالی و تجاری و اقتصادی و روابط وسیع با جنگ جویان بنیادگرای مذهبی از عهده آن بر می آید و کشور های مانند امریکا و عربستان سعودی هم از دو یا سه جهت مخالف آن نیست!

بررسی وضعیت فعلی افغانستان، افکار و نیات پیدا و پنهان پاکستان، تجربه هائی که از عدم پایداری امریکا در برخی از جنگ ها دیده شده است و یک سری مطالب دیگر، که قسمتی از آن در بالا یاد شد، به ما اجازه می دهد که سخنان نخست وزیر پاکستان را سر سری نگیریم؛ مگر این که حکومت های غربی و متحدین شان که به نام سرکوب دهشت افگنان (و نابود ساختن مزارع کشت کوکنار) به افغانستان آمده اند، علاوه به سرکوب نیرو های ددمنش وحشت افگن، پاکستان را بیشتر از راه تعزیرات اقتصادی، جریمه ها، تحریم های مؤثر و پی گیر و گسترده و فشار های سیاسی و ادار به دست کشیدن از حمایت و تمویل و تجهیز نیرو های افراط گرا و جانی و بی فرهنگ کنند.

چون چنین قصد و اهتمام و پایداری، همینطور صداقت در کار امریکا دیده نمی شود، هفده سال جنگ مؤید این حقیقت است، بنابراین گمان من نوعی این است، که احتمال آن وجود دارد که روزی این خواب نخست وزیر پاکستان با جهانی از غم و اندوه و دریغ و افسوس به حقیقت بپیوندد و نمایش دیگری از بدبختی های ما بر روی صحنه بیاید؛ نمایشی خیلی خونبارتر؛ نمایشی از حالتی که سگ صاحبش را نیابد!

۲۰۱۷/۰۸/۲۸